



## رفقه تاپای چوپهدار به خاطر هیچ!

**بسیاری از پرونده‌های نزاع که در حوادث خونین منجر می‌شود ریشه در موضوعات بی‌اهمیت دارد. موضوعاتی مثل درگیری بر سر پارک خودرو یا چشم‌در چشم شدن خیلی وقت‌ها منجر به شکل‌گیری پرونده‌های قتل می‌شود. یکی از افرادی که به خاطر یک چشم‌در چشم شدن مر تکب قتل شده یک‌بار تاپای چوپه دار رفته‌است. او پس از**

**۱۲سال تحمل زندان بافروش خانه پدری‌اش موفق به جلب رضایت اولیای دم شده‌است. به گزارش خبرنگار ما، سال۸۵ مأموران پلیس پایتخت از مرگ مشکوک مرد ۲۴ساله به نام رضاداری یکی از بیماران‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد جوان در جریان درگیری در خیابان ریخچال در محله مهرآباد بر اثر فرورفتن شیشه شکسته نوشابه به پهلویش زخمی و به بیمارستان منتقل شده است اما بر اثر شدت خونریزی فوت کرده‌است. باانتقال جسد به پزشکی قانونی یکی از دوستان مقتول که در محل حاضر بود به مأموران گفت: «شب قبل بارضا و چند نفر از دوستانم از سر خیابان رد می‌شدم که به تعدادی از بچه‌های محل درگیر شدیم. در آن درگیری رضا یک شیشه نوشابه به طرف آنها پرتاب کرد. از آن طرف یکی از بچه‌ها که محمد نام داشت تکه‌ای از شیشه شکسته را برداشت و به پهلویش رضافرو کرد. بالا فاصله رضا را به بیمارستان رساندیم، اما بعد از ساعاتی فوت کرد.» باثبت این توضیحات محمد به اتهام قتل عمد تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و چند روز بعد از حادثه شناسایی و دستگیر شد. او در همان مراحل بازجویی به جرمش اقرار کرد و گفت: «سر خیابان ایستاده بودیم که مقتول و دوستانش رسیدند و باهم چشم تو چشم شدیم. همین بهانه‌ای برای درگیری شد و در آن درگیری مقتول یک شیشه نوشابه به طرفم پرتاب کرد و به پدر و مادرم نرسا گفتم. من طاقت شنیدن فحاشی‌های او را نداشتم به همین دلیل عصبانی شدم و تکه‌ای از شیشه نوشابه را برپوشتم و ضربه‌ای به پهلویش زدم. نمی‌دانستم ضربه کاری می‌شود و منجر به مرگ او می‌شود.» بااقرارهای متهم و بازسازی صحنه جرم کیفرخواست صادر و محمد به اتهام قتل عمد روانه زندان شد. پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی به پرونده اولیای دم درخواست قصاص کردند. در پایان هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهم، وی را به قصاص محکوم کرد. با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، متهم یکی چوپه دار قرار گرفت و چند قدمی با مرگ فاصله نداشت تا اینکه توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب پرونده را دیگر از جنبه عمومی جرم‌وری میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی عبدالله‌لی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «مادرم فوت کرده بود به همین دلیل روز حادثه وقتی مقتول فحاشی کرد کنترل‌م را از دست دادم و ناخواسته مر تکب قتل شدم. با تأیید حکم قصاص در استانه مرگ بودم که پدرم با فروش خانه‌اش توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و حالا مستاجر است. از طرفی خانواده مقتول نیز باین حادثه داغدار شد. تقاضا دارم هر چه زودتر آزاد شوم تا این روزهای تلخ را برای هر دو خانواده جبران کنم.» در پایان هیئت قضایی بعد از شور حکم آزادی متهم را با احتساب روزهای بازداشت صادر کرد. به این ترتیب مرد جوان به زندگی آزاد خواهد شد.**



## سقوط جرقفیل تاورکین حادثه ساز شد

**سقوط جرقفیل تاورکین در یک مجتمع بزرگ شش طبقه در منطقه غرب تهران حادثه ساز شد.**

به گزارش خبرنگار نگار ما، صبح روز گذشته این حادثه در بزرگراه شهید لشگری، بلوار جوانان در یک مجتمع بزرگ شش طبقه در حال ساخت اتفاق افتاد. در اثر این حادثه یکی از چهار دستگاه جرقفیل ثابت ساختمانی (تاورکین) که برای جابه‌جایی مصالح و وسایل ساختمانی در گوشه و کنار این مجتمع بزرگ نصب بودند، هتنگ جابه‌جایی مصالح به دلیل نقص فنی از نیمه‌ان شکست و به پایین سقوط کرد و در پی آن راننده تاورکین که در داخل اتاقک فرمان آن در ارتفاع سرگرم هدایت این وسیله و جابه‌جایی مصالح بود، به همراه قطعات شکسته تاورکین به پایین سقوط کرد و به شدت مجروح شد. این مرد ۲۸ساله قبل از رسیدن آتش‌نشنان توسط کارگران از داخل اتاقک تاورکین خارج شد و به محض رسیدن عوامل آتش‌نشان به عوامل اورژانس تحویل داده شد. علت وقوع حادثه آسوزی کارشناسان آتش‌نشانی منطقه در دست بررسی است.

## مرگ مشکوک مرد تنها پس از آتش سوزی در خانه‌اش

**مرد تنهایی پس از آتش‌سوزی وسایل خانه‌اش در جنوب تهران به طرز مرموزی به کام مرگ رفت** به گزارش خبرنگار نگار ما ساعت ۱۸:۳۰ عصر شنبه ۲۲دی ماه قاضی محسن مدیر روستا، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۹ مهرآبادجنوبی از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دم پلیس‌آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه که راه پله طبقه دوم ساختمان مسکونی در حوالی خیابان دستغیب با جسد مرد ۴۴ساله‌ای به نام احمد روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بود. بررسی‌ها حاکی از این داشت مرد فوت شده تنها زندگی می‌کرده و برادرش که مقیم کشور امریکاست هزینه زندگی او را پرداخت می‌کرده است. یکی از همسایه‌ها که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: درخام نشسته بودم که زنگ خانه‌ام را زدن. وقتی ایفون را برداشتم کسی جواب نداد و به همین دلیل از خانه بیرون آمدم که با جسدی جان‌نهبان در راه رله‌ها روبه‌رو شدم. درآپاژتمان او باز بود و دود از خانه‌اش بیرون می‌آمد. بالا فاصله با اداره پلیس و آتش‌نشانی تماس گرفتم و خودم به داخل خانه‌اش رفتم که حکایت از این داشت آتش‌سوزی در آن شکسته شدن شیشه بخاری‌اش رخ داده و وی قبل از فوتش آتش را خاموش کرده است. وقتی عوامل اورژانس به محل حادثه آمدند اعلام کردند آتش فوت کرده است. مأموران در بررسی‌های جسد با آثار خرابیدگی روی صورت و بدن مرد فوت شده روبه‌رو شدند و همچنین مشخص شد وسایل خله‌وی به هم ریخته است. هم‌زمان باانتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم قاضی مدیر روستا به مأموران پلیس دستور داد درباره این حادثه تحقیقات خود را آغاز کنند.

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۶۹۸۳۵

# نوه ناخلف: از پدر بزرگ کینه داشتم تحقیرم می‌کرد



زندگی‌های آرام و بدور از درگیری و کشمکش فرزندان سالم و درستی را به جامعه تحویل می‌دهند و در مقابل فرزندان خانواده‌های پر تنش و بدتر از آن فرزندان خانواده‌های طلاق آسیب‌های بیشتری را تجربه می‌کنند به طوری‌که این آسیب‌ها زندگی آینده آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی از آنها مجرمی می‌سازد که آسیب‌ها زندگی گریبانگیر دیگران و حتی نزدیکان هم می‌شود. پرونده تازه‌ای که در دادسرای امور جنایی تهران روی میز باز پرس ویژه قتل گشوده شده است مربوط به پسر جوانی است که به گفته خودش فرزند طلاق است و در طول زندگی‌اش تحقیرهای زیادی را تجربه کرده و در نهایت دست به قتل پدر بزرگش زده است. به گزارش خبرنگار ما، روز یکشنبه ۹دی ماه مردی به اداره پلیس رفت و از خواهرزاده‌اش به اتهام قتل پدرش شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت: چهار سال قبل مادرم فوت کرد و پدرم تنها شد. به همین دلیل برای او زن جوانی به همسری گرفتمت تا تنها نباشد. از طرفی هم خواهرزاده‌ام به نام ارسلان هم که پدر و مادرش از هم جدا شده بودند با پدرم زندگی می‌کرد. چند روز قبل نامادری‌ام برای مراسم ختم عمویش به شهرستان رفت و پدرم و ارسلان در خانه تنها بودند. روز پنج‌شنبه یکی‌ماه با خانه پدرم تماس گرفتم، اما جواب نداد که نگرانم شدم و به خانه‌اش رفتم. هر چقدر در زدم کسی در را باز نکرد و به همین خاطر قفل در را تخریب کردم و وارد خانه‌اش شدم که با جسدی جان‌او در پذیرایی کنار بخاری روبه‌رو شدم. پزشک اورژانس در محل حادثه اعلام کرد

### گفت‌وگو با متهم

مادرم بزرگم، برادرم در خانه‌اش نگه داشت و مرا از خانه‌اش بیرون کرد و من سرگردان کوچه و بازار شدم. چهار سال کار تن خواب بودم و در این چهار سال هر کاری کردم تا خرجی زندگی‌م را تأمین کنم.

**چرا ایبرونت کرد؟**

از من خوشش نمی‌آمد و می‌گفت تو پسر فضولی هستی.

**چه شد که به خانه پدر بزرگ**

**مادری‌ات آمدی؟**

من جایی برای زندگی نداشتم تا اینکه من ۱۶سالگی پدر بزرگم به خاطر ترس از آبرویشان مرا به خانه‌اش برد تا همراه او زندگی کنم.

**شما هم بقتلش زحمت‌های او را جبران کردی؟**

من قصد قتل نداشتم، اما اوقعاً همه خانواده‌ام کینه به دل داشتم که در نهایت به قتل پدر بزرگم پایان یافت.

**چرا کینه داشتی؟**

من تا ۱۰سالگی خانه مادر بزرگم بودم اما

پدرم، مادرم، و حتی پدر بزرگم همیشه مرا پیش دیگران تحقیر می‌کردند. سرزنش‌های آنها مرا خسته کرده بود و احساس می‌کردم دیگر برای هیچ‌کس ارزشی ندارم و به همین دلیل از آنها کینه به دل داشتم.

**درباره شب حادثه توضیح بده؟**

چند روز قبل از حادثه، همسر پدر بزرگم به شهرستان رفته بود و آن شب من و پدر

بزرگم تنها بودیم که تصمیم گرفتیم او را بکشیم اما بعد پشیمان شدم. نیمه‌های شب حدود ساعت ۳ بامداد بود که از خواب بیدار شدم و دوباره تحقیرهای آنها به خاطرم آمد و به سراغ پدر بزرگم رفتم. پتو را روی سرش انداختم و با دست دهانش را گرفتم تا اینکه خفه شد. پس از آن به راه پله رفتم و یک سرب آیدوادم و دوباره به خانه برگشتم اما می‌ترسیدم با جسد تنها باشم. از طرفی هم در راهرو آیار تمام قفل بود که مجبور شدم از پنجره پذیرایی به داخل حیاط رفتم و از خانه فرار کردم. تا صبح داخل خیابان‌ها گشتم و

پدرم، مادرم، و حتی پدر بزرگم همیشه مرا پیش دیگران تحقیر می‌کردند. سرزنش‌های آنها مرا خسته کرده بود و احساس می‌کردم دیگر برای هیچ‌کس ارزشی ندارم و به همین دلیل از آنها کینه به دل داشتم.

**درباره شب حادثه توضیح بده؟**

چند روز قبل از حادثه، همسر پدر بزرگم

به شهرستان رفته بود و آن شب من و پدر

بزرگم تنها بودیم که تصمیم گرفتیم او را بکشیم اما بعد پشیمان شدم. نیمه‌های شب حدود ساعت ۳ بامداد بود که از خواب بیدار شدم و دوباره تحقیرهای آنها به خاطرم آمد و به سراغ پدر بزرگم رفتم. پتو را روی سرش انداختم و با دست دهانش را گرفتم تا اینکه خفه شد. پس از آن به راه پله رفتم و یک سرب آیدوادم و دوباره به خانه برگشتم اما می‌ترسیدم با جسد تنها باشم. از طرفی هم در راهرو آیار تمام قفل بود که مجبور شدم از پنجره پذیرایی به داخل حیاط رفتم و از خانه فرار کردم. تا صبح داخل خیابان‌ها گشتم و

بسیاری از پرونده‌هایی که در محاکم کیفری استان‌ها بررسی می‌شود ریشه در عدم پایبندی افراد به اخلاقیات دارد. بسیاری از مردان و زنانی که بدون پایبندی به اخلاقیات وارد رابطه‌های پنهانی می‌شوند در ادامه به اتهام قتل یا اعمال منافی عفت بازداشت و محاکمه می‌شوند. در پرونده‌ای که روز گذشته برای دومین بار در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد مرد جوانی با معرفی خودش به عنوان پزشک، دختری جوان را فریب داده و بعد از برقراری رابطه به قتل رسانده است. به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به پرونده از هفدهم آبان‌سال ۹۱ با مراجعه زن جوانی به کلانتری باغ فیض و اعلام مفقودی دخترش به نام غزاله آغاز شد. آن زن در توضیح به مأموران گفت: «غزاله روز گذشته از خانه بیرون رفت اما هر چه منتظرش شدم از او خبری نشد. نگرانم اتفاق بدی برایش افتاده باشد چون هر جا به نظرم می‌رسید سر زدم و پاسخ تلفن‌هایم را نمی‌دهد.» هم‌زمان با طرح این شکایت مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند تا اینکه سه روز بعد جسد دختر جوان در سطل زباله حوالی بلوار فردوس کشف شد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و در روند تحقیقات مأموران با بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه دختر جوان به رابطه آن دختر با دختر پسر خاله‌ای بی بردند که خود را پزشک معرفی کرده بود.

با بدست آمدن این سرنخ تحقیقات برای دستگیری آن مرد در دستور کار قرار گرفت و بعد از گذشت دو سال از حادثه آن مرد به نام یزدان در جنوب کشور دستگیر شد. این مرد در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد و مدعی شد از قتل دختر جوان اطلاعی ندارد و حتی او را نمی‌شناسد تا اینکه با توجه به مدارک که به دست آمده سرانجام وی به رابطه با آن دختر و قتل وی اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «مدتی بود با غزاله آشنا شده بودم و باهم رفت و آمد داشتیم. می‌خواستیم



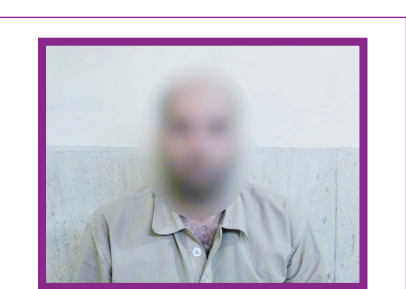
## ۷۷۰۰ گواهینامه رانندگان متخلف ضبط شد

**رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور نیروی انتظامی گفت: بیش از ۷هزار و ۷۰۰ جلد گواهینامه رانندگان متخلف در ۹ماهه اول امسال ضبط شده است. سرهنگ احمد کریمی اسناد افزود: همچنین از ابتدای سال جاری تاکنون مأموران پلیس راه بیش از ۴هزار و ۵۰۰ جلد گواهینامه رانندگان متخلف را که به سقف نمرات منفی رسیده بودند، ضبط کردند که بیشترین موارد در معابر برون شهری اصفهان، خوزستان و زنجان صورت گرفته است. وی افزود: همچنین مأموران پلیس راهور در این مدت بیش از ۴هزار و ۲۰۰ جلد گواهینامه رانندگان متخلف را ضبط کردند که بیشترین برخورد در معابر درون شهری تهران بزرگ، اصفهان و لرستان بوده‌است. رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا همچنین پیش از این‌س از افزایش چهارصدی برخوردها با تخلفات برون شهری در سال جاری خبر داده بود. سرهنگ کریمی اسناد افزود: طی ۹ماهه امسال برخورد با تخلفات برون شهری در کشور چهارصد افزایش داشته و بیشترین افزایش برخورد‌ها توسط پلیس‌راه‌های غرب استان تهران، بوشهر و آذربایجان شرقی صورت گرفته است.**

وی در خصوص تخلفات درون شهری با تأکید بر کاهش برخوردهای پلیسی در این حوزه گفت: در ۹ماهه امسال برخورد با تخلفات درون شهری ۱۶/۳ درصد کاهش یافته است. رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا افزود: در عین حال بیشترین افزایش برخورد‌ها در این بخش توسط پلیس راهور استان‌های سیستان و بلوچستان، البرز و کرمانشاه صورت گرفته است. سرهنگ کریمی اسدا با اشاره به احصای تخلفات شاخص که بیشترین سهم را در وقوع تصادفات فوتی، جرحی و بی‌نظمی‌های ترافیکی در سال جاری داشته‌اند، گفت: بر این اساس راهبردی پلیس راهور بر برخورد با تخلفات یاد شده قرار گرفته است.

## ۳ سارق مسلح طلافروشی در یاسوج اعدام شدند

**سه سارق مسلح که به اتهام سرقت مسلحانه در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد محارب شناخته شده بودند در شهرستان یاسوج و در ملاً عام اعدام شدند.** به گزارش خبرنگار نگار ما، این سه سارق که کیکاووس جمال سبیرت، رستم رضایی و عبدالله جوهری نام داشتند با ایجاد وحشت، تهدید و در برخی موارد تیراندازی به سوی افراد عادی مرتکب سرقت از طلافروشی در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد شده بودند که بعد از بازداشت محارب شناخته شده و به اعدام محکوم شدند. با تأیید حکم محاربه سه سارق در دیوان عالی کشور، این حکم روز گذشته در یکی از میادین شهر اجرا شد. لازم به ذکر است افراد اعدامی در شهرهای یاسوج، گچساران، دهدشت و شهر اقلید در استان فارس اقدام به سرقت‌های متعدد کرده بودند.



## فروش سکه‌های قلابی به صراف‌ها

**مرد که متهم است با فروش سکه‌های قلابی اقدام به کلاهبرداری از شهروندان کرده است بازداشت شد.** به گزارش خبرنگار ما، چند ماه قبل شکایت‌های مشابهی علیه مردی که اقدام به فروش سکه‌های قلابی به شهروندان کرده بود در دادسرای ناحیه ۱۹تهران مطرح شد. براساس شکایت‌های مطرح شده مرد فریبکار سکه‌های قلابی را با سکه‌های نرخی به نام یکی از شرکت‌های معتبر ضرب کرده و به عنوان سکه طلا به فروش رسانده بود. بعضی از خریداران سکه، صرافی‌های تهران و بعضی هم شهروندان عادی بودند. براساس شکایت‌های مطرح شده متهم که خودش را سعید معرفی کرده بود به این شیوه موفق به فروش ۷۰سکه طلا به ارزش ۲۵۰میلیون تومان شده بود. بعد از اینکه پرونده به دستور قاضی به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران راجع شد کارآگاهان در جریان تحقیقات میدانی میخگاه سعید را در شهرستان اسلامشهر شناسایی و او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل یک دستگاه ضرب سکه را از محدوده خلایز خریدم. برای مدتی شروع به ضرب کردن سکه‌های قلابی کردم و بعد از آن دستگاه را در همان منطقه به فروش رساندم. سرهنگ حمداالله عزیزاده، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: در حال حاضر ۷۰ نفر علیه متهم طرح شکایت کرده‌اند و متهم با حکم قاضی برای اسبزی کردن دوران محکومیت خود در زندان به سر می‌برد. وی ادامه داد: مدعیان کسانی که به این شیوه هدف کلاهبرداری قرار گرفته‌اند برای طرح شکایت به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.